

بررسی تفکر انتقادی در دانش آموزان

شکوفه زرگوش^۱، زهرا قیصر بیگی^۲، فاطمه زرگوش^۳

^۱ کارشناسی آموزگار ابتدایی استان ایلام، شهرستان بدره (نویسنده مسئول)

^۲ آموزگار ابتدایی استان ایلام، شهرستان سیروان

^۳ آموزگار ابتدایی استان ایلام، شهرستان دره شهر

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری - کتابخانه ای است که با توجه به نظرات اندیشمندان به رشته تحریر در آمده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی تفکر انتقادی در دانش آموزان است. نتیجه این مقاله نشان می دهد که تفکر انتقادی، تفکر مستدلی است که بر آن است تا با درک مساله و با توجه به اطلاعات و شواهد موجود، فرد را به قضاوتی صحیح به منظور تصمیم گیری درباره انتخاب بهترین پاسخ، رهنمون سازد. موفقیت بیشتر در زمینه آموزش تفکر انتقادی بستگی دارد به جوی که معلمان در کلاس درس خود ایجاد می کنند. بنابر مواردی که بیان شد معلمان باید دانش آموزان را در دستیابی به تفکر انتقادی کمک کند و راه را هموار سازند تا دانش آموزان بتوانند امور را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند.

واژه‌های کلیدی: تفکر، تفکر انتقادی، دانش آموزان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آرزوی دیرینه هر جامعه ای پیشرفت و تعالی افراد آن جامعه و داشتن شهروندانی فرهیخته و اندیشمند است و بدیهی است هر پیشرفتی در زمینه های مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مستلزم افرادی مبتکر و خلاق می باشد که بتوانند تصمیمات صحیح اتخاذ نمایند و برنامه ریزی صحیح داشته باشند و این منوط به وجود نظام های آموزش و پرورش فعال و پویاست.

تعلیم و تربیت یکی از پیچیده ترین موضوعات در جوامع بشری است. تعلیم و تربیت دشوار است، به سبب آن که موضوع آن انسان است. انسان از پیچیدگی ها و ظرافت های زیادی برخوردار است که رسالت معلمی را دشوار ساخته اند. انسان از زمانی که پا به عرصه وجود می گذارد برای انجام دادن خواست های روزافزون خود از همان آغاز زندگی نیاز به یادگیری دارد. یادگیری در واقع یکی از گسترده ترین و متنوع ترین فعالیت های بشری است که اساس برنامه های درسی در آموزشگاه های مختلف، دانشگاه ها، کارگاه ها، کارخانه ها، رشته های علوم اداری، سیاسی، قضایی، ارتشی و مانند این ها را تشکیل می دهد.

بیان مساله

امروزه فراگیران نیز به عصر دانایی و روبه رو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم باید به طور فزاینده مهارت های تفکر انتقادی و خلاق را برای تصمیم گیری ای مناسب و حل مسایل پیچیده جامعه فرا گیرند (یوسفی و اوایی، ۱۳۸۶). معلم باید راه و روش آموختن را به دانش آموزان بیاموزد نه اینکه صرفا به انتقال مفاهیم و معلومات اکتفا کند، چرا که وقتی دانش آموز خود بداند و بفهمد که چگونه یاد می گیرد و از چه راه هایی بهتر می آموزد می تواند پیشرفت بیشتری برای دانش آموز به همراه داشته باشد و از طرفی مفاهیم نقادی و قدرت انتقاد را در دانش آموزان رشد دهد و این امر می تواند نتیجه دیگری را نیز به همراه داشته باشد و آن هم یادگیری مهارت های زندگی مانند چگونگی همکاری با دیگران و کسب مهارت های تعامل با دیگران باشد، لذا یادگیری همیاری از نوع کارایی تیمی که در آن خود مسول یادگیری هستند می تواند این نتایج را به همراه داشته باشد.

ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش

امروزه به سبب مشکلات بودجه ای و کاهش انگیزش معلمان به سبب دغدغه های معشیتی، پرورش تفکر انتقادی در دانش آموزان هر روز کمتر از پیش مبنای آموزش و پرورش قرار می گیرد الزام های دنیای جدید هر روز بیش از پیش توجه آن را ضروری می کند از این رو کند و کاو درباره تفکر خلاقانه امری ناگزیر و الزامی است در حقیقت به دلیل اینکه مدرسه جایی است که تعلیم و تربیت رسمی در آن جریان دارد، باید محیطی باشد که پرورش فکر و شکوفایی شاگردان را موجب شود متأسفانه بر اثر گسترش مدارس و نظارت ضعیف بر آنها عاداتی نا مطلوب بر مدارس حاکم شده است حتی گاهی بسیاری از مربیان و معلمان بر ضرورت حفظ این گونه عادات پا فشاری می کنند ساکت نگه داشتن شاگردان و مجبور کردن آنها به تکرار مطالب، زمینه تعلیم و تربیتی را فراهم می کند که نه تنها تشویق شاگردان به فکر کردن در آن جایی نخواهد داشت، بلکه حتی گاهی در ذهن معلمان نیز این باور را تقویت خواهد کرد که فکر کردن نظم جریان آموزشی را به هم خواهد زد. اگر نظام های آموزشی بخواهد تحولی اساسی در روش های خود به وجود آورد باید در نظر داشته باشد که یکی از مهمترین مسایل، تجدید بنای اندیشه ها و باور های معلم است. علت شکست و ناکامی اکثر معلمان در مقابل نو آوری های

آموزشی به ویژه روش های پرورش تفکر، باورهای غلط واز پیش ساخته آنان است که بر اثر تکرار، در طول سالهای متمادی، در آنان تثبیت شده و بیشتر معلمان به جای آنکه روش آموختن و اندیشیدن را به فراگیران بیاموزند، آنان را در مقابل دانسته های علمی قرار می دهند به جای آنکه شیوه اندیشیدن را بیاموزند (شعبانی، ۱۳۸۲).

تاریخچه تفکر انتقادی

اگر چه تفکر انتقادی اصطلاح نسبتا جدیدی است که در قرن بیستم مطرح شده است لیکن، این فعالیت در افکار فلاسفه یونان از جمله سقراط، افلاطون و ارسطو ریشه دارد. این فیلسوفان به طور کلی تفکر انتقادی را به منزله پرسش کردن، آزمودن و فکر کردن بر روی ایده ها، و ارزش ها قلمداد می کردند. از ابتدای قرن بیستم متعاقب پژوهش های مرتبط با آموزش و یادگیری، تفکر انتقادی به نحو ویژه ای مورد توجه قرار گرفت (جاویدی کلاته جعفر آبادی و عبدلی، ۱۳۸۹).

در حدود ۲۵۰ سال پیش نوشته های سقراط، افلاطون و ارسطو، شاگردان آنها را به اکتشاف نظریه ها و مفاهیم تشویق می کرد. فلسفه های آنان در بردارنده این مطلب بود که غالبا نتیجه نهایی تجزیه و تحلیل واقعیت ها و قضایا آن چیزی نیست که در ظاهر امر به نظر می رسد. کندو کاو و قضایای مربوط به یک واقعیت و تصمیم گیری توأم با آن به منظور کندو کاو مزایا و مخاطرات هر تصمیم گیری، ضروری است (یوسفی و گردان شکن، ۱۳۹۰).

در قرون وسطی، تفکر نقاد نظام مند در آثار و آزمون های متفکرانی مانند آکویناس تجلی یافت. در عصر رنسانس تعدادی کثیر از محققان در اروپا درباره مسایلی چون مذهب، هنر، جامعه، طبیعت انسان، قانون و آزادی به تفکر انتقادی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بی شک اغلب حیطه های زندگی انسان، نیازمند جستجوی تحلیلی و نقد است. طلایه جنبش تفکر انتقادی در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی ادامه یافت تا شخصیت هایی مانند نیوتن بتوانند نقطه نظرات خود را ابراز کنند. نیوتن دیدگاه هایی را که درباره جهان مورد قبول عام بود نقد کرد و به تفکر نقاد اشخاص بر جسته ای مانند کوپرنیک، گالیله و کپلر ادامه داد (ورکی شعبانی، ۱۳۸۶).

مفهوم تفکر

قبل از پرداختن به تعریف تفکر انتقادی، به تعریف تفکر پرداخته خواهد شد. تفکر، پایه و بنیان حیات انسان را تشکیل می دهد. آنچه انسان را در طول قرن های متمادی بوجود آورده است، نتیجه و حاصل قدرت فکری است. عاملی که در تداوم و رشد انسان نقش تبیین کننده ای دارد، قدرت تفکر انسان است. انسان در طول زندگی خویش هرگز از تفکر و اندیشه فارغ نبوده است و با نیروی تفکر صحیح تصمیم گرفته است و توانسته است به حل مسایل و مشکلات بپردازد و به رشد و تعالی نایل گردد. بطور کلی تمام موفقیت ها و پیشرفت های انسان در گرو اندیشه بارور و پویا و موثر است (محبوبی و مصطفایی، ۱۳۸۸).

آدامز (۱۹۹۶)، معتقد است افراد همیشه در ارتباط با امور روزانه خود فکر می کنند. ولی همیشه مسایل و مشکلات خود را نمی توانند حل نمایند. آنچه مهم است کیفیت تفکر و همینطور ارتباط بین تفکر و عمل می باشد. تفکر تلاش سنجیده ای است که در جهت شکل دادن، بیان و تکوین مفهوم جملات نا مفهوم ذهنی صورت می گیرد. در هر جامعه ای ارزش های اولیه و فرهنگ خاصی وجود دارد که بر تفکر افراد اثر می گذارد؛ بنابراین جوامع مختلف انسانی به دلیل عقاید و نگرش های مختلف دارای تفکر زمینه ای متفاوتی نیز می باشند. به منظور آشکار سازی مفاهیم، ارزشها و رفع پیچیدگی های موجود در جهان امروزه، انسانها نیازمند یادگیری تفکر بطور علمی و منطقی می باشند. تا زبان فرهنگی مشترکی یافته واقعیت های خاص را به

طور مشترک تجربه نمایند؛ بنابراین بر اساس نحوه اندیشیدن، نیاز به روش های خاصی برای تفکر مطلوب می باشد (به نقل از رزاقی، ۱۳۸۹).

تعریف تفکر انتقادی

تفکر انتقادی به معنای کنونی چندان در گذشته رایج نبوده اما آموزش فنون و مهارت های تفکر انتقادی از حمله بحث و مناظره ها، استدلال استقرایی و قیاسی و دیگر اعمال منطقی جهت تربیت دانشجویان با استعدادهای فکری قوی و متناسب با حرفه ی انتخابی و موقعیت اجتماعی شان الزاما ضروری تشخیص داده می شد (مایرز، ۱۳۸۳).

تفکر انتقادی به معنای رسیدن به قضاوتهای مستدل است، عبارت دیگر فرایندی است که منتج به قضاوت و تصمیم گیری در مورد عقاید، اعمال و موضوعات می گردد و فرد را قادر می سازد که جنبه های مختلف یک پدیده یا مساله یا چند پدیده را در نظر بگیرد و مبتنی بر دلایل معتبر، در مورد آنها قضاوت نماید (عباسی، ۱۳۸۰).

بالاترین سطوح طبقه بندی بلوم تجزیه و تحلیل و ترکیب است که تفکر انتقادی از کاربرد این دو سطح است. تفکر انتقادی دلیل اساسی و منطقی و در نتیجه نیل دانش آموز به سطوح بالاست. اگر هدف کمک به دانش آموزان برای تبدیل شدن به فکر کنندگانی بهتر است. پس باید به صورتی نظام دار و مداوم به آنها راهیابی از تفکر کارآتر را آموزش داد. تفکر باید برای تمامی موضوعها در تمام سطوح سنی آموخته شود. معلمین باید بر با معنا بودن تاکید کنند و دانش آموزان نیز باید بیاموزند چگونه درک کرده و فکر کنند (اورلیچ و همکاران، ۱۳۷۹).

اهمیت مهارت تفکر انتقادی

تفکر انتقادی بسیار مهم است چرا که فرد را قادر می سازد تا اطلاعات دریافتی را ارزیابی نموده و خطرات عمل بر پایه یک فرض غلط را به حد اقل برساند فقدان این استعداد ذهنی می تواند باعث صدمه، مسمومیت ذهنی، عدم پذیرش و یا خرابکاری هایی شود که ممکن است فرد را با خطرات مهلکی رو به رو سازد همه افراد به طور ذاتی از این استعداد برخوردارند، اما آنچه که به عنوان یک مهارت زندگی از آن یاد می شود، فراتر از شیوه معمول تفکر انتقادی که انسان را از خطرات مصون می دارد، می باشد. تفکر انتقادی در این مفهوم، عبارت است از یک فرایند ذهنی تحلیل یا ارزیابی اطلاعات، به ویژه بیانات یا موضوعاتی که افراد به عنوان یک اصل ارایه می کنند. متفکر انتقادی در کنار شیوه تفکر خلاق، پیش نیاز سایر مهارت های زندگی از جمله حل مساله، تصمیم گیری، ارتباط موثر و روابط سازنده را تشکیل می دهد. فردی که توانایی تفکر انتقادی را نداشته باشد نمی تواند راه حل های متعدد برای مسایل را ارزیابی و بهترین شیوه را انتخاب کند و لذا با شکست های متعدد رو به رو خواهد شد. در واقع تفاوت تفکر انتقادی و تفکر خلاق نیز در این است که تفکر خلاق منجر به نو آوری و خلق ایده های جدید می گردد، در حالی که تفکر انتقادی فرد را قادر می سازد تا ایده ها و راه حل های موجود را ارزیابی کرده و بهترین آنها را انتخاب کند.

- برای تفکر نقادانه بهتر است مراحل زیر را دنبال کنید:

- به دقت به آنچه اتفاق افتاده، یا آنچه از شما خواسته شده توجه کنید.

- از جنبه های مختلف موضوع را بررسی کنید.

- بر روی آنچه برای شما مهم و با ارزش است تمرکز کنید.

- اگر چیزی برای شما مبهم و نا مشخص است، بپرسید تا برایتان مشخص شود.
- چارچوب فکری خودتان را تغییر دهید و با فکر باز به پدیده ها نگاه کنید. اسارت در چارچوب فکری گاهی بسیار خطرناک است.
- به ارزیابی پدیده ها و اتفاق ها بپردازید. با طرح چراهای متعدد به نقد پدیده ها بپردازید.
- به دنبال دلایل، مدارک و شواهد تایید کننده یا رد کننده پدیده ها، عقاید، احتمال ها و ... باشید.
- پس از بررسی تمام جوانب تصمیم بگیرید (رحمت بر و همکاران، ۱۳۹۵).

شکل گیری مهارت تفکر انتقادی

با وجودی که اغلب افراد با این موضوع که تفکر انتقادی یک مهارت فکری مهم است موافق هستند، اما اکثر آنها نمی دانند که چگونه می توانند این مهارت را در خودشان ایجاد کنند و یا بهبود بخشند. یک علت آن این است که تفکر انتقادی یک مهارت فوق تفکر است و نیازمند تامل دقیق روی اصول صحیح استدلال و به کارگیری یک تلاش آگاهانه برای درونی سازی آن ها و اجرای آنها در زندگی روزمره می باشد.

همانگونه که مشهود است این کار آسان نیست و تقریباً به یک دوره طولانی تمرین و ممارست نیاز دارد. آگاهی از اصولی که استدلال خوب و بد را متمایز می سازد، برای داشتن تفکر نقاد کافی نیست. به عنوان مثال شخص ممکن است درک کاملی از اصول بازی تنیس داشته باشد، اما در اجرا و به کار بستن این اصول در بازی واقعی شکست بخورد.

اشکال عمده دوره های آموزش تفکر انتقادی نیز آن است که اغلب تنها به ارایه نظری اصول استدلال می پردازند و از پشتوانه عملی برای چگونگی اجرای این اصول در موضوعات واقعی برخوردار نیستند.

کسب دانش و تمرین برای کسب مهارت تفکر انتقادی، تنها زمانی به نتیجه خواهید رسید که فرد از از نگرش مثبت و انگیزش کافی برای یادگیری این مهارت برخوردار باشد برای تقویت تفکر انتقادی، تامل روی دلایل باورها و اعمال، از اهمیت به سزایی برخوردار است. فرد همچنین باید اشتیاق زیادی برای درگیر شدن در مذاکرات، اشتباه کردن احتمالی، تغییر عادات بد قبلی، و پرداختن به پیچیدگی های زبان شناختی و مفاهیم انتزاعی داشته باشد. برای تبدیل شدن به فردی با تفکر انتقادی، در ابتدا باید تا آنجا که ممکن است درباره همه چیز به جمع آوری اطلاعات پرداخت تا صرفاً به یک حوزه اختصاصی با موضوعات خاص محدود نشویم این مساله مهم است چون نداشتن دامنه اطلاعاتی وسیع یا بدتر از آن نداشتن قوه قضاوت صحیح، دیدگاه ما را در حین تحلیل موضوعات یا موقعیت های مختلف محدود می سازد.

در طی رشد ما با عوامل و جریاناتی مواجهه می شویم که ما را به تفکر فعالانه تشویق می کنند از سوی دیگر تجارب زیادی نیز وجود دارند که تفکر منفعلانه را در ما تقویت می کنند. مثلاً پژوهشگران معتقدند که تماشای تلویزیون، باعث می شود مردم به خصوص بچه ها منفعلانه فکر کنند.

با وجودی که آگاهی هر چه بیشتر راجع به یک مساله خاص، بد نیست اما اطلاعات جزئی در قضاوت راجع به موضوعات دیگر که محتوای متفاوتی دارند، کاملاً بی استفاده و بلا استفاده خواهد بود. بنابراین بجای اینکه با پرداختن بیش از حد به جزئیات هر موضوع، زمان و نیروی فکر خود را بیهوده صرف کنید سعی کنید با بررسی اصول کلی موضوعات مختلف، به دامنه اطلاعات خود بیفزایید. تفکر نقاد مستلزم استفاده فعالانه از هوش، اطلاعات و توانایی ها به منظور مواجهه موثر با واقعیت های زندگی

است. زمانیکه نقادانه فکر می کنیم، منتظر نمی مانیم که اتفاق بیفتد بلکه در فرایند رسیدن به اهداف، تصمیم گیری و تحلیل موضوع ها فعالانه درگیر می شویم تفکر فعال شامل تلاش های هوشیارانه برای موفق شدن در حل مشکلات است. وقتی منفعلانه عمل می کنیم، در واقع اجازه داده ایم که رویدادها و وقایع دنیای اطرافمان ما را کنترل کنند یا به دیگران اجازه داده ایم که تفکر ما را مطابق میل خودشان شکل دهند، این روند در دراز مدت به ضرر ماست. برای مثال اگر بخواهیم در مورد شغل آینده خود به درستی تصمیم گیری کنیم، باید فعالانه اطلاعات بیشتری به دست آوریم احتمالات مختلف را بررسی کنیم، با افرادی که در آن حیطه تجربه دارند صحبت کنیم و سپس به تمام این عوامل نقادانه واکنش نشان بدهیم به طور خلاصه تفکر نقاد مستلزم فکری فعال است و نه تفکری واکنشی و منفعل در طی رشد، ما با عوامل و جریانهای مواجهه می شویم که ما را به تفکر فعالانه تشویق می کنند از سوی دیگر تجارب زیادی نیز وجود دارند که تفکر منفعلانه را در ما تقویت می کنند مثلاً پژوهشگران معتقدند که تماشای تلویزیون، باعث می شود مردم به خصوص بچه ها منفعلانه فکر کنند.

ویژگی های تفکر انتقادی

بسیاری از روان شناسان شناختی در دو دهه اخیر به طور ویژه و تخصصی مفهوم اصطلاح تفکر انتقادی را بررسی کرده اند، بر این اساس، تفکر انتقادی به طور موثق به معنای ارزشیابی یا قضاوت کردن درباره درستی و نادرستی چیزی است و بر خلاف مفروضات عامه هرگز به معنای منفی نگری یا عیب جویی نیست. این اصطلاح ماهیتاً فارغ از ارزش های مثبت و منفی است و غالباً به قضاوتی منتج می شود که مثبت، تصدیق کننده و حتی ستایش آمیز است. تفکر انتقادی از نظر ماهیت الزاماً نوعی ارزشیابی است، یعنی هر نوع ادعایی، منبعی یا باوری را به طور آشکار و مستمر به منظور قضاوت درباره درستی، اعتبار یا ارزش آن تجزیه و تحلیل می کند، تفکر انتقادی مجموعه ای از اعمال خاص است که به تنهایی یا به صورت ترکیبی به کار می رود (بیر، ۱۹۸۵).

تفکر انتقادی تفکری اندیشمندانه است نه گله مندانه یا شکایت آمیز. تمایز قایل شدن بین حقایق تایید شده و ادعاهای ارزشی، تمایز قایل شدن بین اطلاعات مربوط و نامربوط، ادعاها یا دلایل، تعیین اعتبار منابع، تعیین درستی و دقت حقیقی عبارت ها، تعیین ابهام های ادعاها یا مباحثه ها، تعیین مفروضات معین نشده، کشف تمایل و تعصب، تعیین سفسطه های منطقی، تشخیص تناقضات در استدلال، تعیین قوت یک بحث، از ویژگی های تفکر انتقادی محسوب می شود (سیف، ۱۳۹۵).

بیشتر اعمال فوق معطوف به ادبیات علوم تجربی، هنر و تدریس مطالعات اجتماعی است این اعمال بیش از سایر اعمال در فرایند تدریس کاربرد دارد و مراحل فعالیت را مشخص می کند.

با توجه به توضیحات بالا، تفکر انتقادی مستلزم فرآیندهای عالی ذهنی و داوری بر اساس شواهد و مدارک است. تفکر انتقادی نوعی حل مسئله است، اما علاوه بر حل مسئله دارای عناصری از توانایی های تحلیل و ارزشیابی امور نیز هست.

خصوصیات افراد دارای تفکر انتقادی

افرادی که دارای تفکر انتقادی هستند دارای خصوصیات ذیل می باشند: آنها افرادی هستند که درباره عقاید جدید فکر می کند و در پی کسب اطلاعات بیشتر هستند سوال می کنند (از سوال کردن نمی ترسند)، سعی می کنند بین اطلاعاتی که دارند ارتباط برقرار کنند، واقعیت را از عقیده شخصی جدا می کنند، درباره چیزی که نمی دانند اظهار نظر نمی کنند، سعی میکنند حرف دیگران را بفهمند و حرفشان را به دیگران بفهمانند، بر اساس اطلاعات قضاوت می کنند، آنها با تفکر نقاد می توانند

مستقل فکر کنند، مشکلات را شناسایی کنند، اطلاعات مربوط را جمع آوری و تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه گیری کنند افراد با تفکر نقاد می توانند بدون تکیه کردن به نظرات و ایده های دیگران فکر کنند و تصمیم بگیرند (حسینی، بهرامی، ۱۳۸۲).

آموزش تفکر انتقادی

گفتیم که تفکر انتقادی نوعی حل مساله است. مساله این است " آیا اندیشه، کالا، یا باوری که کسی عرضه می کند از اعتباری که صاحب آن اندیشه، کالا، یا باور ادعا می کند برخوردار است؟ " در این جا چند نکته ویژه را در ارتباط با تفکر انتقادی اضافه می کنیم

- ۱- فرصت های متعدد و متفاوتی به دانش آموزان بدهید تا اندیشه ها را تحلیل کنند، سبک سنگین کنند، ارزیابی کنند، و تصمیمهای منطقی بگیرند.
- ۲- شرایط کلاسی را به گونه ای آماده کنید که به دیدگاه های متفاوت ارج گذاشته شود و تبادل اندیشه ها و گفتگوی آزاد بین دانش آموزان تشویق گردد.
- ۳- در مقابل سوالهایی که دانش آموزان از شما (معلم) می پرسند. علاوه بر جواب سوال، دلایل آنرا نیز بگویید.
- ۴- در سوال هایی که شما (معلم) از دانش آموزان می پرسید هم چه چیزی و هم چگونه و چرا اتفاق افتاده است را بخواهید.
- ۵- از دانش آموزان بخواهید تا در برخورد با عقاید دیگران و دفاع از عقاید خود از روی عقل و منطق عمل کنند، نه از روی هیجانات و احساسات (سیف، ۱۳۹۲).

مهارت ها و ابعاد تفکر انتقادی

تفسیر: تفسیر دقیق مسایل و اطلاعات ذهنی به دست آمده از منابع اطلاعاتی است. استنباط: در استنباط ادعاها مورد پرسش قرار می گیرند، نظرات ارزیابی میشوند استدلال های ناقص شناخته و نتایج مناسب حاصل می شوند.

آشکار و شفاف سازی: در یک زمان یک مطلب اساسی بیان شود؛ جهت آشکار کردن مطلب از مثال استفاده شود. هم چنین شفاف سازی به معنای توضیح روشن استدلال خود در اتخاذ تصمیم خاص و دفاع از آن است.

ارزشیابی: به معنی ارزشیابی اطلاعات برای تعیین قابل اعتماد بودن آنها و ارتباطشان با یک موقعیت خاص است. یافتن جایگزین داوری در باب اعتبار منبع تمرکز روی سوال (اصلی) قضاوت درباره اطلاعات به دست آمده از مشاهدات قضاوتهای ارزشی معقول بررسی و شناختن فرضیات

استنتاج: اتخاذ تصمیم برای اقدام به عمل تجزیه و تحلیل: شامل بررسی ایده ها و نظرات در مورد یک مساله یا بررسی اطلاعات ذهنی و عینی یا بررسی اعمال است (فیشون و فیشون، ۱۹۹۶) جستجوی مبتنی بر دقت تا حد مقدورات، ارتباط موثر با سایر عوامل برقرار کردن، تعریف اصطلاحات و داوری درباره سایر تعاریف توانایی تجزیه و تحلیل مباحث، جستجوی دلایل و براهین

خود تنظیمی: به معنی کنترل مداوم تفکرات خود با استفاده از معیارهای کلی مانند وضوح، درستی، دقت، ثبات، منطقی بودن و اهمیت؛ و اصلاح خود با توجه به این معیارهاست. پرسش و پاسخ در باب سوالاتی که در پی وضوح و روشنی مطلب است استفاده و ذکر منابع معتبر (مرادی، ۱۳۹۱).

رابطه بین تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی

انسان ها روزانه مطالب زیادی در اینترنت می خوانند، و هنوز کسی صحت و درستی این مطالب را مورد پرس و جو قرار نداده است. آنها ممکن است توانایی این کار را داشته باشند ولی چرا این کار را انجام نمی دهند؟ شاید انسان ها باور داشته باشند که اخبار موجود در سایت های عمومی کاملا صحیح باشد و نیاز به تایید ندارد. ممکن است انسان ها برای اینکار وقت و انرژی نگذارند، و ممکن است آنها به این نوع اخبار علاقه نداشته باشند، نگرش انفعالی روی رفتار افراد تاثیر می گذارد. در مقابل اگر افراد به سودمندی تفکر انتقادی واقف باشند، هیجان زده می شوند و تمایل دارند در آینده به آن عمل کنند (ویسکر می، ۱۳۹۰).

گرایش به تفکر انتقادی تمایلی عادت گونه و انگیزش درونی است که فرد را به استفاده پیوسته و مهارت تفکر انتقادی خود بر می انگیزد و بدون آن فرد تمایلی به کاربرد تفکر انتقادی خویشتن ندارد. گرایش کلی فرد به استفاده از مهارتهای تفکر انتقادی خود بر اساس آنچه پیتیر فاسیون و همکارانش نشان می دهد، حاصل وجود هفت عادت ذهنی مطلوب در وی است که به آنها گریشهای تفکر انتقادی گفته می شود. این گرایش ها عبارتند از حقیقت جویی، گشوده ذهنی، تحلیل گری، قاعده مندی، اعتماد به نفس در تفکر انتقادی، کنجکاوی و پختگی شناختی، منظور از حقیقت جویی تمایل به جستجوی معتبرترین اطلاعات است. گشوده ذهنی به معنای گرایش به ارزیابی عقاید متفاوت از عقیده خود است و احترام به حق دیگران. تحلیلگری به معنای تمایل به اندیشیدن بر اساس شواهد قابل اثبات است. قاعده مندی، ارزش قایل بودن برای عمل سازماندهی شده و همراه با پشتکار در برخورد با مسایل است. گرایش به اعتماد به نفس، اعتماد داشتن به قدرت استدلال خود است. کنجکاوی، کسب اطلاعات درباره امور می باشد و پختگی شناختی گرایش به بعضی از مسایل است که بیش از یک راه حل موجه دارند. این گرایش ها فرد را به استفاده عملی از مهارت های تفکر انتقادی بر می انگیزد و بدون داشتن سطحی از آنها فرد تمایلی به کاربرد مهارتهای تفکر انتقادی خود ندارد (کوروش نیا، لطیفیان، ۱۳۹۰).

اصول پرورش تفکر انتقادی در کلاس درس

تفکر و حل مساله را از نظر ماهیت یکی می دانند، زیرا هر دوی آنها از انواع تفکر انسان به حساب می آیند. تفکر انتقادی بیشتر به فرایند تفکر مربوط می شود، در حالیکه حل مساله بیشتر به نتیجه ی تفکر تاکید دارد. به عبارت دیگر، تفکر انتقادی با مسایل باز و گسترده سرو کار دارد، اما حل مساله بیشتر با مسایلی درگیر است که دارای جوابهای واحد و مشخص هستند. در حل مساله و تفکر انتقادی و کارایی تیم، یادگیری های قبلی فراگیر باید به طریقی تازه با هم ترکیب شوند و یادگیرنده باید راههای تازه ترکیب دانش های قبلا آموخته شده را کشف کنند. بدین وسیله یادگیری به کسب دانش و مهارت تازه منجر می شود، زیرا معنای تفکر انتقادی نیز همین است؛ یعنی، ارزیابی تصمیمات از راه واری منطقی و منظم مسایل، شواهد و راه حل ها به طریقی تیز بینانه (مهرداد، ۱۳۸۲).

توسعه یک جو کلاسی که منجر به تفکر انتقادی شود، با رفتار معلمان کاملاً رابطه دارد و معلمان باید این اصول را در کلاس درس مورد توجه قرار دهند؛

- گسترش آزادی روانی در کلاس درس
- توسعه ارتباطات عاطفی و عقلانی
- ایجاد جو همدلی و درک دیگران
- توجه به استقلال و فردیت دانش آموز و عدم تاکید افراطی بر هنجار گروه
- احترام به عقاید دانش آموزان و کمک به تجدید سازمان عقاید دانش آموزان
- احترام به سوالات دانش آموزان و هدایت سوالات بی ربط به سوی مساله اصلی.

موانع شکل گیری تفکر انتقادی

اولین و اساسی ترین مانع برای ایجاد تفکر انتقادی، عامل فرهنگ است. فرهنگ هر کشور بازتاب نحوه تفکر و واکنش افراد در قبال مسایل مختلف می باشد. فرهنگ هایی که در آن ها عصر عقلانیت، خرد محوری، بررسی علمی و منطقی، روحیه نقد پذیری و حقیقت جویی بر خرافه پرستی و مطالعه سطحی و شتاب زده چیرگی داشته باشد، مستعد شکوفایی تفکر انتقادی و منطقی هستند.

از نظر جامعه شناسان سیاسی و فرهنگی، به دلیل پیشینه وجود حکومت های استبدادی در دوره های تاریخی گذشته دور در کشور ما، ظهور و تکوین فرهنگ خرد محور و عقلانی با موانع بسیار روبه رو بوده است. از آنجا که حیات یک جامعه، وابسته به حیات اندیشه در آن است، به نظر هیچ تحول معقول و قابل انتظاری در جامعه محقق نخواهد شد مگر در سایه تحول در اندیشه و نگرش آدمیان؛ نا گفته پیداست بدون بهره گیری از یک سیستم آموزشی کار آمد و اصیل نمی توان در جست و جوی تحول فکری مورد انتظار بود. مطالعه فرهنگ جوامع پیشرفته بیانگر آن است که فرهنگ خود محور در جوامعی قابل تصور می باشد که نظام های آموزشی برای ایجاد تقویت و به کار گیری تفکر انتقادی در تمامی جنبه های زندگی، به وسیله خود فراگیران است (عزیزی، ۱۳۹۲).

نتیجه گیری

تفکر انتقادی، تفکر مستدلی است که بر آن است تا با درک مساله و با توجه به اطلاعات و شواهد موجود، فرد را به قضاوتی صحیح به منظور تصمیم گیری درباره انتخاب بهترین پاسخ، رهنمون سازد. موفقیت بیشتر در زمینه آموزش تفکر انتقادی بستگی دارد به جوی که معلمان در کلاس درس خود ایجاد می کنند. شاگردان باید به آرامی به نقش های فعال بحث و گفتگو و حل مساله هدایت شوند. شاگردان با دقت بسیار منتظرند که ببینند معلمان تا چه حد به اظهار نظرهای آنها احترام می گذارند. آنها با سرعت با اشاره های غیر لفظی آشنا می شوند که این اشاره ها نشان می دهند تا چه حد معلمان پرسشها و کمک های شاگردان را با آغوش باز می پذیرند. بنابر مواردی که بیان شد معلمان باید دانش آموزان را در دستیابی به تفکر انتقادی کمک کند و راه را هموار سازند تا دانش آموزان بتوانند امور را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند.

نتایج این تحقیق با تحقیق زیر همسو است .

رووفی، فرهادی، شیخیان (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان تاثیر آموزش به روش کارایی تیم بر تفکر انتقادی، اعتماد به نفس، و میزان یادگیری دانشجویان پرستاری با بیان نتایج متعدد نشان داده است که دانشجویان، استراتژی های یادگیری فعال را بر

روش های غیر فعال ترجیح می دهند و بعد از آموزش به روش تیمی نمره ی تفکر انتقادی افزایش یافته است، یعنی روش کارایی تیمی بر تفکر انتقادی دانشجویان، موثر بوده است. همچنین یادگیری از طریق گروهی باعث افزایش مهارت های شناختی فراگیر می شود.

منابع

- اورلیچ، دونالدسی؛ هارد، رابرت جی؛ کالاهان، ریچاردسی؛ گیسون، هری دابلو. (۲۰۰۰). راهبردهای تدریس (کلیات روشها و فنون تدریس)، (ترجمه سیامک رضا مهجور و پروین غیائی) . شیراز: ساسان
- حسینی، ع؛ بهرامی، م. (۱۳۸۲). مقایسه تفکر انتقادی در دانشجویان سال اول و آخر کارشناسی. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.
- جاویدی، طاهره؛ عبدلی، افسانه. (۱۳۸۹). روند تحول تفکر انتقادی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. مطالعات تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۱۱، ش ۲، ۱۲۰-۱۰۳.
- رحمت بر، مریم؛ بذرافشان، حوریه؛ شریفه، رحماندوست. (۱۳۹۵). گرایش به تفکر انتقادی در امر تعلیم و تربیت، دومین کنفرانس بین المللی پژوهشهای کاربردی در علوم تربیتی و مطالعات رفتاری و آسیب های اجتماعی ایران، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی: سروش.
- رزاقی، ناهید. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر محتوای کتاب علوم تجربی سال سوم راهنمایی بر تقویت مهارتهای تفکر انتقادی از دیدگاه معلمان و دانش آموزان مدارس راهنمایی منطقه ۱۷ شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۲). روان شناسی پرورشی نوین (روان شناسی یادگیری و آموزش). تهران: دوران.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). روش های پرورش تفکر. تهران: سمت
- عباسی، عفت. (۱۳۸۰). بررسی مهارت های موثر بر پرورش تفکر انتقادی در برنامه درسی جامعه شناسی دوره متوسطه. رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عزیزی، محمد. (۱۳۹۲). کلاس تفکر انتقادی. مجله رشد آموزش ابتدایی، اسفند ۹۲.
- کوروش نیا، مریم؛ لطیفیان، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ارزشهای فرهنگی جامعه گرایش های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه گری ابعاد الگوها یا ارتباطات خانواده و استادان.
- مایرز. (۱۳۸۳). چت. آموزش تفکر انتقادی (ترجمه خدایار اسمعیلی). تهران: سمت.
- مرادی، حسن. (۱۳۹۱). درآمدی بر تفکر انتقادی. تهران: انتشارات اختران.
- مهرداد، حسین. (۱۳۸۲). هنر تدریس (الگوها، روش ها، فنون و راهبردهای تدریس). تهران: انتشارات روان.
- ورکی شعبانی، بختیار. (۱۳۸۶). چالش جایگاه تفکر انتقادی در مدیریت تغییر: موردی دانشگاه مشهد: مجله مطالعات علوم تربیتی: دانشگاه بیرجند، سال اول، شماره ۱.
- ویسکرمی، حسن علی. (۱۳۹۰). تعیین مولفه های تفکر انتقادی در دانشجویان مقطع کارشناسی به منظور تدوین یک مدل ساختاری پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

یوسفی، علیرضا و گردان شکن، مریم. (۱۳۹۰). روند تحول تفکر انتقادی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ویژه نامه آموزش و ارتقا سلامت، سال ۱۱، شماره ۹، ۱۲۸-۱۱۲.
یوسفی، نصرت اله؛ اویسی، حسین. (۱۳۸۶). الگوهای نوین یاددهی و یادگیری. قزوین: حدیث امروز.

